

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

شناخت جامعه افغانی و نحوه موضوعگیری در قبال حوادث اتفاقیه رابطه اقتدار و مشروعیت و پس منظر وضعیت اجتماعی - سیاسی در کشور "طالب" ها در کورباکی‌ها به رقابت مبادرت خواهند ورزید؟

مشکل سران اسلام آباد و جنرال‌های راولپنډی در چه نهفته میباشد؟
تلاش‌ها بمنظور دستیابی بیک راه حل و انجام مذاکره دیپلماتیک
ساختار شکنی آشکار و پیمادهای مدرنیته و سنت در جامعه ما
واکنش‌ها در مورد بحران انسانی در کشور

اصل شناخت جامعه (جامعه‌شناسی) بخشی از علوم اجتماعی و دانش بررسی جامعه بمثابة پدیده اجتماعی است. این رشته علمی به بررسی جوامع بشری، بر همه کنشها و فرآیندهایی می‌پردازد که جوامع بشری را در وضعیت جاری شان نگاه داشته یا تغییر می‌دهد. هدف این حوزه علمی، پرداختن به تجربه جامعه با بخش‌های تشکیل دهنده اش مانند انجمن‌ها، نهادها، گروه‌های هم‌جنس، هم‌نژاد یا هم‌سن و بررسی نحوه کنش فعال این اجزا با یکدیگر است. علاوه بر اینها، این علم موضوعاتی مانند طبقه اجتماعی، قشر بندی، جنبش اجتماعی، تغییرات اجتماعی و بی‌نظمی‌هایی مانند جرم، انحراف و انقلاب را مورد تحقیق قرار می‌دهد. دانش جامعه‌شناسی به بررسی شیوه‌های تأثیر ارگان‌های اجتماعی بر رفتار انسان‌ها، کنش ارگان‌های اجتماعی بر رفتار انسان‌ها، کنش ارگان‌های اجتماعی مختلف با یکدیگر، تشکیل، فرسودگی و نابودی آنها می‌پردازد. از آنجایی که جامعه‌شناسی به رفتار ما بمثابة موجودات اجتماعی توجه دارد، زمینه پژوهش آن از تحلیل تماس‌های کوتاه میان افراد ناشناس در خیابان گرفته تا بررسی روند‌های اجتماعی جهانی، همه را در بر می‌گیرد. جامعه‌شناسان از روش‌های مشاهده‌ای مختلف، نظر سنجی، مصاحبه و تحلیل‌های آماری، آزمایش‌های کنترل شده و روش‌های دیگر بهره می‌جویند. دانش جامعه‌شناسی در سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی بوجود آمده که از سنت عقل‌گرایی موجود که در آغاز توسط فلاسفه یونان باستان بنا شده بود، بهره جسته است. جامعه‌شناسان برای مدت زمان طولانی، جامعه‌شناسان به بررسی و کاوش تغییرات جوامع غربی و تحلیل روابط و وابستگی‌ها میان مؤسسات اجتماعی مختلف و ملزومات زندگی اجتماعی مانند اقتصاد، حکومت، خانواده و مذهب می‌پرداختند. به مفهوم دیگر، تلاش جامعه‌شناسان، بگونه کلی، ادغام نظریات و داده‌های جمع‌آوری شده و اکتشافات علوم اجتماعی مختلف بود. امروزه این موضوعات در زیر رشته نظریه‌های جامعه‌شناسی بررسی می‌گردد. این زیر رشته همچنین مفاهیم اصلی زندگی اجتماعی را مورد تحلیل قرار داده و برخلاف تحلیل‌های سده ۱۹، تأکید زیادی روی جمع‌آوری داده‌های آماری و تحقیقات میدانی دارد.

از بقدرت رسیدن "طالب"‌ها در کشور ما بیشتر از هفت ماه سپری می‌گردد، اما، حاکمان جدید کابل تاکنون هم قادر به حل و فصل برخی از مشکلات موجود با سایر گروه‌های جهادی نگردیده‌اند. علیرغم تلاش‌های دیپلوما ماتیکی که بمنظور برسمیت شناختن بین‌المللی آنها انجام پذیرفت، تاکنون نتیجه مطلوبی برای آنها به همراه نداشته و در آینده‌های قابل پیشبینی نیز نمی‌توان از مشروعیت بخشی جهانی آنها حتماً سخنی میان آورد. با این حال، تنها مسایل عدم تجربه آنها در امر ساخت و ساز دولتی، مدیریت اداری و یا حفظ ستاندردهای زندگی شهروندان کشور، مطرح نمی‌باشد، بلکه از موجودیت عوامل و فاکتورهای گونه‌گونه‌ای باید در مورد سخن گفت. اما نباید فراموش نمود که متأسفانه، بویژه در امتداد دوده‌ه موجودیت و حضور پررنگ ایالات متحده در کشور ما، در مسایل و موارد حیاتی کشور اصلن شاهد دست‌آورد قابل ملاحظه‌ای نبودیم. متذکر باید گردید که شهروندان کشور عزیز ما افغانستان، هیچگاهی چنین وضعیت ناگوار اقتصادی را که در وضعیت کنونی با آن

مواجه می باشند، تاکنون تجربه ننموده اند. کارشناسان و دست اندرکاران مسایل مربوط بکشورما در مورد موجودیت حدودن ۲۰ گروه فعال در افغانستان که بتعداد ۲۳ هزار تن از جنگجویان مسلح را در صفوف خویش تنظیم نموده اند، سخن می گویند. درکنار سایر تندروان و بنیادگراها، نه تنها رهبران "طالب"ها، بلکه جنگجویان "داعش" و "القاعده" نیز بگونه گسترده ای حضور دارند. اما نباید فراموش نمود که پس از سرکوب ب گسترده "داعش" در سوریه و عراق، ایجاد و پرپایی باصطلاح پایگاه مناسبی برای آنها در سرزمین و اراضی کشورما حتا از تصور هم بعید بنظر می رسد. بر بنیاد شواهد تخمینی دیپلومات ها، در حال حاضر و وضعیت کنونی، موجودیت حدود ۵،۵ هزارتن داعشی مربوط به شاخه محلی ("ولایت خراسان")، در کشور حدس زده می شود.

بسیاری ها هم چنین می پندارند که نباید در این نزدیکی ها منتظر تغییر موضعگیری جامعه بین المللی در قبال "طالب"ها بود. چه، حل و فصل بسیاری از معضلات و برآورده نمودن خواست های جهانی در مورد قضایای موجود در کشورما از مهمترین مسایل مورد بحث می باشد.

در گزارشهای پسین منابع معتبر بین المللی میخوانیم که اکثریت قریب بتمام بازیگران خارجی قضایای کشور با نگرش های منحصر بفردی چنین می پندارند که سالروان بمثابة آزمونی در مورد توانایی "طالب"ها، بویژه در عرصه حل و فصل مربوط به سیاست خارجی و داخلی خواهد بود. در گزارش همچنان تذکر بعمل آمده که عده ای از دول کشورها از جمله روسیه، چین، ایران، پاکستان، قطر، امارات متحده عربی، عربستان، تر کیه، ازبکستان و ترکمنستان خواهان همکاری نزدیک با حاکمیت کنونی در کشورما می باشند. با اینحال، به منظور شراکت بیشتر و همکاری های نزدیک، "طالب"ها باید توانایی و ظرفیت هایی را در امر مبارزه علیه خطرات و تهدیدهای تروریستی بنمایش بگذارند.

چنانچه در بالا تذکر بعمل آمد که عده دیگر یادآور شده خاطرنشان می نمایند که در وضعیت حاضر، در اراضی متعلق با افغانستان در حدود ۲۰ گروه بندی تروریستی بگونه ای فعال بوده که بیش از همه، در صدد وسعت و گسترش ساحة تاثیرگذاری شان در خارج از محدوده افغانستان نیز می باشند. در وضعیت کنونی مشخص نیست که آیا "طالب"ها واقع در امر مبارزه با آنها ثابت قدم می باشند یا نه؟

نشانه هایی وجود دارد که "داعش خراسان" و "القاعده" بمنظور گردآوری و تشکل جهادست های خارجی بوده و در صدد خریداری سلاح و مهمات جنگی غارت شده از انبارهای نظامی، برای آنها در حال رقابت می باشند. بنابراین، پرسش کلیدی در دورنمای قریب، نحوه موضعگیری و چگونگی رابطه "طالب"ها با گروه بندی های جهادی یاد شده مطرح بحث می باشد.

همچنان از تهدیدهای دیگری نیز یادآوری بعمل می آید، از جمله یکی هم مسأله مواد مخدر می باشد که "طالب"ها مبارزه علیه آنرا عنوان نموده اند. بر بنیاد گزارش های موجود، "طالب"ها سعی می ورزند تا در امر محدودیت و جلوگیری از مصرف مواد مخدر در داخل کشور با اقداماتی متوسل گردند. اما آنها مبارزه قاطع با صدور مواد یاد شده بخارج از کشور را تاکنون آغاز ننموده اند.

مطابق اظهارات بسیاری ها، بمنظور ایجاد و تحکیم ثبات داخلی در کشور، از جمله یکی هم متحول گردیدن "طالب"ها بنمایندگی از بخش معینی از جامعه بمفهوم محدود کلمه به نیروهای سراسری کشور بمفهوم وسیع کلمه در دستور روز قرار می گیرد که تکوین وضعیت اینچنینی با منافع و مصالح اکثریت قریب بتمام جامعه افغانی همخوانی دارد.

بنابراین، سناریوهای گونه گونه در مورد وضعیت در کشور، از جمله ایجاد شکاف و رخنه در صفوف "طالب"ها و وسعت و گسترش مقاومت و آغاز درگیری های داخلی در کشور پیشبینی می گردد.

خوب بخاطر داریم که در امتداد ماه پسین، اطلاعات ضد و نقیضی از جانب "طالب"ها، در مورد قتل این ویا آن رهبر محلی "داعش" به نشر رسید. اما قبل بر آن، "طالب"ها بویژه خبر بقتل رسیدن اسلم فاروقی، یکی از فرماندهان محلی را اعلام نمودند و این در حالی بود که در مجموع، همیشه از موجودیت و حضور رهبران و جنگجویان "داعش" در سرزمین و اراضی کشورما انکار مینمودند. در امتداد ماهای پایانی سال پار، محمد نعیم سخنگوی "طالب"ها در قطر نیز مسأله فوق را یادآور شد.

بایست متذکر گردید که سیاست "طالب"ها را می توان به دلایل ذیل قابل درک محسوب نمود: آنها در گام نخست، بارقباي شان به مبارزه مبادرت می ورزند. این مسأله را می توان بمثابة واقعیت غیر قابل

انکار پذیرفت که عده ای از تروریست ها بمنظور گسترش ساحة نفوذ و وسعت تاثیرگذاری شان، علیه ترور یست های دیگر به جنگ و درگیری های مسلحانه متوسل می گردند. درگام بعدی، اصل درگیری و مبارزه علیه "داعش"، بخودی خود پاسخگوی دستور کار جهانی بوده و تظاهر به چنین پافشاری در امر مبارزه با ساختار یادشده، حتا بگونه غیرمستقیم به "طالب" ها این امکان را میسر خواهد نمود تا بر اصل مشروعیت بخشی شان حساب باز نمایند.

علاوه بر آن، "داعش" بمفهوم واقعی کلمه، امنیت کشورهای آسیای مرکزی را نیز بگونه وسیعی تهدید می نماید. پس از دست دادن منابع مادی، نه تنها کشور عزیز ما افغانستان، بلکه روسیه و تاجیکستان نیز بمنظور سرپازگیری انتخاب گردیدند. همچنان در نتیجه پروپاگندهای گسترده ای بمنظور جلب و جذب نیروهای بیشتر، برخی از فرماندهان "طالب" ها نیز بجانب "دولت خراسان" متمایل شده و بآن پیوستند.

وضعیت اینچنینی، بیش از همه و قبل از سایر موارد بدلیل نبود و فقدان وحدت و یکپارچگی لازم در صفوف "طالب" ها پنداشته می شود. اما اگر "داعش"، بمثابه یک گروه فراملی، نه تنها کشور عزیز ما افغانستان، بلکه مناطق و کشورهای همجوار را نیز از جمله اهداف مشروعش بشمار آورد، در وضعیت اینچنینی، آیا رهبری کنونی در کابل، آماده خواهد بود تا بگونه نهایت متواضعانه ای، تنها و صرف به محدوده کنونی افغانستان بسنده نماید؟

نباید فراموش خاطر ما شود که برخی از نفرات و افراد گروه یادشده در نتیجه نبود و یا کمبود امکانات مالی و بودجوی، تهدیدها و خطرات موجود "ولایت خراسان" به شهروندان کشور عزیز ما افغانستان را مضاعف می نمایند. اما همه باید آگاه می باشند که عملکردهای بعدی آنها برای "طالب" ها نیز تهدیدات جدی را بدنبال خواهد داشت.

"طالب" ها که خود را رهبر و مالک بلامنازع افغانستان می پندارند، در صدد مبارزه قاطع با "داعش" بوده و سعی می ورزند تا آنها را از سرزمین متعلق به کشور ما به بیرون رانده، زمینه نفوذ به کشورهای همجوار افغانستان مساعد گردیده و بویژه، کشورهای تاجیکستان و ازبکستان مورد تهدید قرار داده شود.

بنابراین، شاخه های منطقوی این سازمان تروریستی در داخل کشور نیز برای خویش "همدستانی" دست و پا نموده است. در اینجا سخن در مورد "شبکه حقانی" مطرح بحث می باشد که تاکنون هم از تعداد واقعی افراد و جنگجویان و هواخواهان گروه یادشده، آمار و ارقام دقیقی موجود نمی باشد. بر بنیاد اظهارات حلقات معین دیپلوماتیک، وضعیت اینچنینی بگونه کلی با جابجایی ها، تبدیل مکان و تغییر موضعگیری جنگجویان و تروریست های گروهی یادشده، ارتباط مستقیم دارد. بنابراین می توان در مورد نوع و چگونگی وابستگی با این ساختارهای تروریستی صحبت نمود.

اما در مورد ضعیف ترین حلقه در مجموعه سیاسی "طالب" ها بایست متذکر گردید که درباره حضور هسته های "القاعده" در سرزمین کشور ما سخن بسیار گفته شده است. بدلیل موجودیت واقعیتهای یادشده و همچنان به بهانه حضور فزاینده بن لادن در افغانستان، گویا بمثابه سازماندهنده اقدامات خونین ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، تهاجم و در نتیجه، جنگ ایالات متحده در اراضی متعلق بکشور عزیز ما افغانستان آغاز گردید. قابل یاددانهی پنداشته می شود که موضعگیری ونحوه عملکرد "طالب" ها و "القاعده"، بویژه در مورد شیوه ها و متودهای جنگ و درگیری های مسلحانه، برای مدت زمانی باهم همخوانی داشت. بایست متذکر گردید که بر بنیاد گزارش های سازمان ملل، در وضعیت کنونی، جنگجویان گروه یادشده در ۱۵ ولایت جنوب، جنوب شرقی و شرقی کشور، حضور فعال و گسترده ای دارند. تعداد جنگجویان "القاعده"، در شرایط و وضعیت کنونی در کشور ما به بیش از یک هزار تن تخمین می گردد.

یادآور باید شد که موجودیت این واقعت، چندان هم عجیب بنظر نمی رسد که "طالب" ها با فروریختن حاکمیت تحت رهبری غنی، برنامه های ضد تروریستی را بارش بردند، زیرا نزاع و درگیری ها با متحدان، ساده و سهل بنظر رسیده و اما ترک آنها نهایت خطر آفرین محسوب می گردد. چه، رقبای مسلحی نیز موجود می باشند که در امر ایجاد دولت دخالت نموده و موانعی در مسیر یادشده ایجاد می نمایند. اما بایست خاطر نشان نمود که ایجاد فاصله و دوری از اشخاص و افراد ارتباطی قبلی و صرف نظر نمودن از روابط و مناسبات قبلی آنها با "القاعده"، قبل از همه برای "طالب" ها، بمثابه عملکرد ناشیانه ای بشمار می آید. در امتداد ماه اسد سال پار، در یکی از جمله اعلامیه های صادر شده توسط محمد نعیم، ادعا گردیده بود که جنگجویان "القاعده"

در سرزمین و اراضی متعلق به افغانستان اصلن وجود نداشته و با آنها هیچگونه ارتباطی هم اصلن موجود نمی باشد. اما خاطر نشان باید نمود که با در نظر داشت واقعیت های موجود، دلایل ذکر شده توسط "طالب" ها برای جامعه جهانی، دلایل بسنده ای محسوب نمی گردد.

اما کابل، دیر و یا زود یا بهمگرایی و یا به حذف متحدان قبلی در جهاد مبارت خواهند ورزید، در غیر آن، متحدین دیروزی ممکن در امر جذب تندروان، اندکی هم اگر شده، مبارت ورزند. تاکنون هم جنگجویان "جنبش اسلامی ازبکستان" در ولایت های شمالی کشور از قبیل کندز، سرپل و جوزجان، در انجام فعالیت ها و عملکردهای شان دست باز دارند. تعداد مجموعی آنها در حال حاضر در حدود ۷۰۰ تن تخمین می گردد. اما آنها بگونه آشکاری به متحدین نیرومندی نیاز دارند. بنابراین، "طالب" ها بگونه جدی نگران سال های آینده بوده و اما در وضعیت فعلی مانند ضرورت ماهی بآب، امر برسمیت شناختن بین المللی برای آنها از اهمیت حیاتی برخوردار می باشد. اما مناسبات و ارتباطات وسیع و گسترده با "القاعده" و "جنبش اسلامی ازبکستان"، از بسا جهات برای جامعه جهانی بمثابة نقاط ضعف آنها در عرصه یاد شده پنداشته می شود. در شرایط و وضعیتی که مقامات امارت اسلامی، حتا به فراهم آوری احتیاجات و تهیه مواد اولیه و حیاتی شهروندان کشور قادر نمی باشد، در چنین حالتی، امکان استخدام عده ای از جوانان هموطن ما به گروها و دسته بندی های بنیادگرا و تروریستی بیش از هر زمان دیگر مساعد و مهیا می گردد.

موجودیت گروها و دسته بندی های تروریستی در کشور عزیز ما، نمایندگی از این واقعیت دردناک می نماید که گروهبندی های یاد شده بگونه گسترده ای از جمع جوانان کشور که اصلن برای تأمین معیشت خود و خانواده های شان چیزی در بساط ندارند، سرپازگیری مینمایند. ساختارهای متذکره، فاقد مشی بوده و از نبود برنامه و اهداف تعیین شده در رنج و عذاب می باشند. آنها بمنظور دستیابی به مبلغ ناچیز پولی، به تداوم دهشت و وحشت در کشور همچنان ادامه می دهند. از جانب دیگر، شبکه های سیستم هشدار دهنده از امکان قحطی در کشور گزارش دادند که با ارتقای روزافزون قیمت ها و کاهش درآمدها، بیش از هر زمان دیگر، به کمک ها و مساعدت های بشردوستانه برای افراد آسیب پذیر در شهرها و روستاهای کشور نیاز احساس می گردد. بر بنیاد گزارش های بنشر رسیده، بتاريخ ۱۸ ماه حوت سال روان، ذخایر مواد غذایی بویژه دردهات کشور قبل از جمعآوری محصولات زراعتی به پایان رسیده و شهروندان کشور ناگزیر به تهیه و خریداری مواد غذایی مورد ضرورت شان از بازار خواهند بود.

در گزارش همچنان تذکر بعمل آمده که در نتیجه عملکردها و فعالیت های بانکی، بانک مرکزی کشور بدلیل بحران نقدینگی قادر باحیای اقتصاد کشور نگردید. مطابق داده های سازمان یاد شده، اکثریت شهروندان کشور در نتیجه محدودیت ها، از مجموع سپرده های بانکی شان اصلن نمی توانند بیشتر از مبالغ تعیین شده پولی، برداشت نمایند. چنانچه یادآوری بعمل آمد که تمامی بانک ها بدلیل موجودیت بحران شدید نقدینگی، نمی توانند خدمات بانکی و تأدیه مبالغ هنگفت مورد نظر مشتریان شان را تأدیه و فراهم نمایند. مؤسسه یاد شده همچنان هشدار می دهد که بدلیل بارش اندک برف زمستانی و همچنان پیشبینی کاهش بارندگی ها در فصل بهار، احتمال برداشت گندم نیز در کشور کمتر از حد متوسط خواهد بود.

یکشنبه ۲۲ ماه حوت سال ۱۴۰۰ خورشیدی